



## پیشنهاد حسین موسویان: ایفاء نقش توسط حاج قاسم برای کاهش تنش بین ایران و آمریکا/ ایران چگونه پس از 11 سپتامبر به آمریکا کمک کرد؟/منافع مشترک تهران و واشنگتن در چیست؟/ماجرای دعوتنامه رسمی ایران برای مقام امریکایی

تجربه من می گویند که مذاکرات مستقیم بین "لیولد جی آستین" فرمانده ستاد مشترک آمریکا و "حاج قاسم سلیمانی" فرمانده سپاه قدس می تواند رویکرد اثرگذاری باشد.

تاریخ: ۱۱ خرداد ۱۳۹۲ - ۱۳:۲۲

کد خبر: ۱۱۴۱۵۸



سید حسین موسویان استاد دانشگاه پرینستون و مذاکره کننده هسته ای ایران در مقاله ای تحت عنوان "ایران، آمریکا، افغانستان و حاج قاسم در "نشنال اینترست آنلاین" نوشت: با وجود برنامه آمریکا برای خروج از افغانستان در اواخر سال آینده میلادی، احتمال دارد که واشنگتن حضور 10 هزار پرسنل نظامی و غیرنظامی خود را در این کشور حفظ کند. نیاز به حفاظت از امنیت این افراد نیازمند آن است که ایالات متحده با همسایه های افغانستان از جمله ایران وارد تعامل شود.

به گزارش سرویس بین الملل انتخاب، طالبان و القاعده در عربستان سعودی و پاکستان به وجود آمدند. بنابراین پس از حملات 11 سپتامبر، ایران کاملاً از جنگ آمریکا ترویستم حمایت کرد. تهران همچنین به عنوان یک رابطه دیپلماتیک مهم و کلیدی در کنفرانس بن 2001 نقش ایفاء کرد که موجب تسهیل در تلاش های آمریکا و سازمان ملل برای مدیریت بحران افغانستان شد.

این آن سوی عملگرایی سیاست خارجی ایران و علاقه ای برای کمک به یک افغانستان با ثبات را نشان داد. برای مثال ایران در ایجاد یک مشروعیت بین المللی برای دولت کابل سودمند بود. اما در ازای چنین اقدام بی سابقه ای، پریزدنت جرج بوش، ایران را جزئی از "محور شرارت" خواند.

خروج نیروهای آمریکا از افغانستان فرصتی دیگر برای تعامل عملی با ایران را فراهم می کند. پس از نزدیک به یک دهه حضور در منطقه، واشنگتن باید به تهران به عنوان یک شریک استراتژیک بالقوه به منظور تقویت دورنمایی برای یک خروجی مسالمت آمیز و افغانستانی با ثبات نگاه کند.

منافع ایران در افغانستان شامل یک مرز مشترک 600 مایلی می شوند و تهدیدی که برای بهداشت و امنیت ایران به دلیل تجارت مرزی مواد مخدر می شود.

افغانستان نزدیک به 90 درصد تریاک جهان را تولید می کند. نیمی از آن وارد ایران می شود و تهران بیش از 1 میلیارد دلار سالانه در جنگ علیه مواد مخدر هزینه می کند.

ستاد مبارز با مواد مخدر ایران اعلام کرده است که اختیار به مواد مخدر بزرگترین آسیب اجتماعی و تهدیدی بزرگ برای بهداشت و امنیت کشور محسوب می شود.

تعداد افرادی که در ایران مبتلا به ایدز شده اند، از سال 2001 دوبرابر شده و به 91 هزار نفر رسیده است که ابتلای 70 درصد این افراد به دلیل استفاده از سرنگ الوده بوده است.

اما منافع ایران در افغانستان فراتر از مواد مخدر است. از سال 1357، تقریباً 16 هزار مرزبان ایرانی در راه انجام وظیفه کشته یا زخمی شده‌اند.

ایران هنوز میزبان بیش از یک میلیون کارگر و پناهنده افغان غیرمجاز است که رابطه‌ی فرهنگی و دینی مستحکمی با ایران دارند.

همچنین مسئله‌ی امنیت آب در این خصوص وجود دارد چراکه منطقه‌ی شرقی بایر و خشک ایران به شدت متکی به آبی است که نشأت گرفته از کوه‌های مرکز افغانستان است.

در نهایت، فعالیت‌های مرزی از سوی گروه‌های تروریستی از جمله القاعده و جندالله یکی از نگرانی‌های امنیتی محسوب می‌شود که ایران با آن مواجه است.

ایالات متحده و ایران همچنان منافع مشترکی در افغانستان دارند. این منافع شامل دستیابی با بهبود و پیشرفت مداوم در وضعیت حکومت در کابل، جلوگیری از جریان مواد مخدر و دیگر محموله‌های غیرقانونی، حل مشکل بحران پناهنده‌های افغان، تبدیل افغانستان به یک شریک تجاری قابل اعتماد و ترویج راه‌های ترانزیتی و تجارت منطقه‌ای با احیای ابتکار جاده ابریشم، تقویت توانایی‌های نیروهای امنیتی افغان از طریق آموزش به آنها در سطح فدرال و استانی و ترویج اشتغال ملی که شامل ورود نیروهای میانه رو طالبان به حکومت در کابل می‌شود.

در فوریه 2011، ایران دعوتنامه‌ی رسمی برای مارک گرسمن نماینده ویژه آمریکا در افغانستان برای سفر به تهران ارسال کرد. واشنگتن این دعوتنامه را رد کرد. با این حال تهران به همکاری خود با جامعه بین‌المللی در مورد افغانستان با شرکت مقامات ارشدش از جمله وزیر خارجه در دو نشست بین‌المللی در استانبول و بن ادامه داد.

در این نشست‌ها، تهران از هدف ایجاد یک افغانستان دموکراتیک و با ثبات از طراحی که منجر به تسلط کامل افغان‌ها بر امنیت‌شان تا سال 2014 می‌شود حمایت کرد.

در خصوص بازسازی افغانستان هم، ایران همچنان یکی از برجسته‌ترین حامیان مالی به این کشور در حوزه زیرساخت، انرژی و پروژه‌های ساخت و ساز به حساب می‌آید که کمک‌های مالی‌اش از میزان حمایت‌های مالی کشورهای غربی عبور کرده است.

ایالات متحده باید موضع خود در مقابل ایران را از رویارویی به همکاری عملگرایانه در مسائل مورد نگرانی دو کشور تغییر دهد.

جیمز دوبینز نماینده ویژه آمریکا در افغانستان و پاکستان که مذاکرات موفقیت‌آمیزی را با ایران در خصوص افغانستان در سال 2001 داشت، می‌تواند نقشی مهم در تسهیل اجرای این ابتکار ایفا کند.

تجربه من می‌گویند که مذاکرات مستقیم بین "لیولد جی آستین" فرمانده ستاد مشترک آمریکا و "حاج قاسم سلیمانی" فرمانده سپاه قدس می‌تواند رویکرد اثرگذاری باشد.

حاج قاسم نقشی سازنده و محوری در مبارزه با القاعده در افغانستان پس از حملات تروریستی سال 2001 ایفا کرد. علیرغم اتهاماتی که متوجه حاج قاسم سلیمانی در آمریکا است، او در خروج ایمن نیروهای آمریکا در سال 2012 و 2013 سودمند و مفید بوده است.

این روابط نظامی می‌تواند بنیان اعتماد مشترک بین ایران و آمریکا را بگستراند. پس از انتخابات ریاست جمهوری آتی در ایران، فرصت‌های برجسته‌ی بیشتری می‌تواند در پیشرفت روابط ایران و آمریکا به وجود آید.